

چالش مذهبین و رادیو

پس از شهریور ۱۳۲۰ در سال های

● رضا مختاری اصفهانی
کارشناس ارشد تاریخ

تیک و تنبور هم به گوش می‌رسید. بزرگترها با شنیدن صدای موسیقی که از پشت دیوارهای خانه آقای صدیق به گوشه نشن می‌کرده، گوش‌های خود را با کف دست‌هایشان می‌گرفتند و می‌گفتند، فعل حرام پناه بر خدا!*

آواز و موسیقی اما پدیده تازه‌ای در جامعه ایرانی نبوده که چنین برخوردی با رادیو به عنوان پخش کننده آن می‌شد. به نظر می‌رسد این مخالفت از سر آن بود که رادیو موسیقی و آواز را عمومی می‌ساخت. در این مورد سخن آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم، می‌تواند ما را به چنین برداشتی راهنمون سازد. طبق گزارش محمد درگاهی، رئیس نظمی کل کشور، آیت الله حائری یزدی از حاکم قم می‌خواهد، دل

روایتی که در به‌لاماده‌نشانگر دورویکرد مذهبیون فرقیال رادیوست، یکی، رویکردی مثبت که رادیو را رسانه‌ای فرجهت ابلاغ اهداف و شعائر دینی می‌دید. از همین رو برخی از عالمان و خطیبان دینی، تولد این تریبون را به فال‌نیک گرفته و از آن سخن سر دادند. اما رویکرد دیگر، مبنی و بدبینانه بود و رادیو را ابزار و وسیله‌ای دل‌چسب بی‌دینی می‌دید. بی‌جهت نبود که برخی از متدبران استماعی می‌گرفتند گوش خود را از آوای آن مصون دارند. نکته‌ای که محمد علی فرشته حکمت درباره شهر کلرون می‌گوید شاید در بسیاری از شهرهای ایران رخ می‌داد. او در آنجا که از عکس‌العمل مردمان شهرش در مقابل رادیو سخن می‌گوید، رفتار برخی در برابر موسیقی رادیو را چنین روایت می‌کند، «هنگام صدای خیلی ضعیفی از تار و

قیبال در مقاله‌ای در مجله رادیو (شماره ۱۵) از تعامل و همکاری مذهبین با رادیو گفته شد و در همان‌جا به رویکرد دیگر این نیروها به رادیو اشاره‌ای کردید. اینک با پوزش از وقفه میان آن نوشتار و مقاله حاضر، رویکرد دوم مذهبیون به رادیو بیان می‌شود.

روزهای اول از رادیو زیاد قرآن پخش می‌کردند. یک روحانی که این برنامه را می‌شنود، قرآن را روی رادیو می‌گذارد و می‌گوید، «خدا حفظت کند. این قرآن تو را حفظ کند. بخوان، چهار قل را بخوان». آقا سید علی نجف آبادی (از علمای بزرگ اصفهان) که این جریان را می‌شنود، می‌گوید، «اینها اول قرآن می‌خوانند بعد که مردم به رادیو عادت کردند، سیاست‌های خودشان را از این طریق تبلیغ می‌کنند و اخلاق مردم را خراب می‌کنند.»^۱

صوت گرامافون در قهوه خانه‌ها جلوسگری شود، لکن در خانه‌ها عیبی ندارد»^{۳۱}

به طوری که می‌تیم امری که قبلاً به حوزه خصوصی افراد مربوط می‌شد، این بار از طریق رادیو به حوزه‌های عمومی وارد شده بود. این اقدام به منزله مقابله با عرف دینی جامعه محسوب می‌شد و البته چنین هدف و نیتی هم از سوی کارگزاران دولت رضاشاهی دنبال می‌شد. چرا که رادیو می‌باید فرهنگ عمومی از جمله فرهنگ دینی را تغییر می‌داد. بی‌جهت نبود که در برنامه‌های رادیو از گفتارهای مذهبی خبری نبود و بیشتر اوقات رادیو را موسیقی‌های ایرانی و غربی پیر می‌کرد.

در رویکرد متفاوت مذهبپوین به رادیو هم مربوط به سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ بود، چرا که در آغاز تأسیس رادیو به هیچ‌به طیفی از آنان اجازه استفاده با انتقال از این رسانه داده نمی‌شد. اما با خروج رضاشاه از ایران و باز شدن فضای سیاسی و اجتماعی کشور، همان‌گونه که عده‌ای از مذهبپوین توانستند به رادیو راه یابند و از اندک وقت در اختیارشان در جهت ابلاغ و اجرای گفتارهای مذهبی بهره‌جویند، از سوی دیگر طیفی از مذهبپوین

فشار برای انتقاد از برنامه‌های رادیو مناسب یافتند.

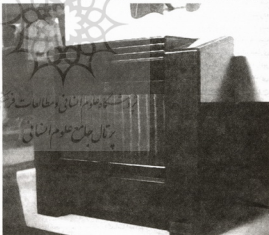
اولین انتقاد مهم و جدی از رادیو که به صورت مکتوب در اختیار است، به قلم سید مجتبی نواب صفوی، رهبر گروه فداییان اسلام، صورت گرفته است. این انتقاد در اطلاعیه‌ای از برنامه انقلابی فداییان اسلام با **واهنمای حقایق** به سال ۱۳۲۹ به رشته تحریر درآمده است. نواب در کتاب **واهنمای حقایق** در ارائه اهداف و برنامه‌هایش نه تنها از برنامه‌های رادیو انتقاد می‌کند، بلکه برای آن برنامه و راهکار دارد. او در توصیف رادیو و جراید، این دو رسانه را به عنوان «سخنگویان خائن (و) خطیبان واعظ نما» معرفی کرده که در انجام دادن وظیفه‌شان همچون «سینماها و رقاص‌ها، به «شهوت‌انگیزی و جنابت-آموزی» می‌پردازند. او در تأثیر رادیو و جراید بر نوده‌ها چنین می‌نویسد: «رادیو‌ها به وسیله تصانیف فاسد و نمایش‌ها و نغمه‌های شهوت‌انگیز و جنابت‌آموز، جراید به وسیله عکس‌های هوس‌پرور لخت باتوان عقیف و نشان دادن مواضع محرک شهوت آنها و داستان‌های شهوت‌انگیز و جنابت‌آموز» و زبان‌های مردم هم با خواندن تصانیف‌های

آمیخته به انواع رذالت در کوچه و بازار و خیابان و سایر حرکات داخل رستوران‌ها و کافه‌ها و چایلو‌سی‌های عمومی است».

در واقع او مقاسد اجتماعی افراد جامعه را تحت تأثیر تلقینات و تعلیمات آنها می‌داند. آنجا که دولت‌ها خانان بودند و وظیفه رادیو «مدحی از جنایات حکومت، فلان وزیر و کلیل خائن، و بدگویی به مردان پاک و مسلمان و خدمتگزاران حقیقی اسلام و ایران» بود. نه تنها این عمل در رادیو و مطبوعات که «همه مردم» چنین رویه‌ای در پیش گرفته و «عمومی» بود. بنابراین رهبر فداییان اسلام به تأثیر گذاری رادیو در افکار و فرهنگ جامعه و لقب بود و معتقد که «باید یکباره طبق موازین مقدس اسلام اصلاح شود»^{۳۲}

از همین رو سید مجتبی نواب صفوی رادیو را برای ایجاد حکومت اسلامی مورد نظر خود لازم و مفید می‌دانست. ابزار مدرنی که وی در جهت اهداف و افکار اسلامی و سنتی خود می‌خواست و از رادیو مقصود و نیتی جدا از ایجادکننده‌های رادیو در نظر داشت. اگر رضاشاه و کارگزاران فرهنگی وی از طریق رادیو در پی تغییر فرهنگ عمومی در تمامی عرصه‌ها از جمله حوزه دین بودند، نواب صفوی رواج همان آموزه‌های سنتی را از طریق نومی‌طلبید وی در مقابل اداره انتشارات و تبلیغات که متولی امور رادیو بود، «دایره امر به معروف و نهی از منکر و انتشارات» را توصیه می‌کرد

اگر رضاشاه و کارگزاران فرهنگی وی از طریق رادیو در پی تغییر فرهنگ عمومی در تمامی عرصه‌ها از جمله حوزه دین بودند، نواب صفوی رواج همان آموزه‌های سنتی را از طریق نومی‌طلبید وی در مقابل اداره انتشارات و تبلیغات که متولی امور رادیو بود، «دایره امر به معروف و نهی از منکر و انتشارات» را توصیه می‌کرد



دوره نخست وزیری د.کتر محمد مصدق، دوره تازه‌ای از رویکرد نیروهای مذهبی منتقد به رادیو بود. این گروه‌ها که دولت مذکور را متفاوت از دولت‌های سابق می‌دیدند، سعی در رساندن نظریات خود به گوش دولت و گرداندن‌های رادیو داشتند. به طوری که در گزارش اداره کل انتشارات و تبلیغات به تاریخ ششم خرداد ۱۳۳۰ چنین آمده است: «همه روزنامه‌ها از تهران و شهرستان‌ها به اداره تبلیغات می‌رسد مبنی بر آنکه موسیقی را از برنامه رادیو تهران حذف نماید»

رعایت نظافت و پاکیزگی تذکر دهند و متذکر شوند که منشا بزرگ سرایت و هجوم امراض، کثافت بوده و دستورات مؤکد اسلام در رعایت نظافت برای حفظ سلامت و سد امراض عمومی است.^(۱)

همچنین رادیو رسالت داشت که در راستای تشویق افکار صنعتگران^(۲) و تشویق و تأکیدات شرع مقدس «در زمینه کشاورزی بگوشد» تا این دو طبقه اجتماع «تمام محصولات اولیه خوراکی و پوشاک عمومی را در داخل کشور به طور فراوان و با صرفه فراهم نماید»^(۳). بر این اساس رادیو باید مبلغ و مروج استقلال اقتصادی و فرهنگی مملکت باشد که به اعتقاد تواب صفوی روش‌های جدیدی که در عرصه فرهنگ و زندگی مردم در دوره پهلوی ترویج می‌شد، این استقلال را تهدید می‌کرد. از همین رو به موازات تلاش در امور اقتصادی، در عرصه فرهنگ و سیاست نیز سایه دین را گسترده ساخت. بر این مبنای تواب در قسمت وظایف وزارت کشور، از برپایی نماز جمعه به همت «حوزه مقدس روحانیات» می‌گوید: «نمازی که عهده‌هایش در همان زمان به وسیله رادیو به سراسر دنیا ابلاغ شود»^(۴) در راه‌های حلقه‌ای، رادیو وسیله‌ای مؤثر در تبلیغ و ترویج فرهنگ اسلامی شمرده شده است.

از همین رو در قسمت‌های مختلف و در شرح وظایف دوایر و ارکان نظام حکومتی از نقش رادیو یاد گرفته شده است. رادیو نه تنها در جهت و پیوستگی ملت ایران گام برمی‌داشت که از طریق آن، این امکان وجود داشت تا مردم سراسر دنیا را مخاطب اهداف و برنامه‌های دولت اسلامی قرار دهد. به نظر می‌رسد که تواب صفوی رادیو را رسانه‌ای می‌دید که به وسیله آن می‌توان فرهنگ بومی را جهانی کرد.

مسلمانان دنیا، و حتی همه جهانیان، آموزش و تعلیم دهد. بنابراین رادیو از منظر او نه برای دوری از سنت‌ها و ارزش‌های بومی و ملی که وسیله‌ای برای تبلیغ بازگشت به خویشن دیده می‌شد؛ «باید دنیا و ملت مسلمان ایران را به حقوق طبیعی بشر طبق موازین دین فطری اسلام و حقوق هر ایرانی مسلمان واقف و کاملاً آشنا نماید و عظمت روح مسلمانان را از دریچه گفتار دانشمندان اسلام به جهان زنده علم و دانش نشان دهد».^(۵)

از همین رو و راه‌های حقایق نسخه بدل گفتارهای بهداشتی، صنعتی و کشاورزی رادیو رضاشاهی را هم عرضه می‌کرد. اگر رادیو با این دیدگاه ایجاد شده بود که روش‌های نوین زندگی یا به شهرنشینان و روستاییان آموزش دهد و در این جهت گفتارهایی بر روی رادیو پخش می‌شد، مقابله تواب صفوی هم‌توسیه‌ها و آموزش‌هایی در زمینه‌های زندگی داشت که نه دعوت به مدرنیسم که بازگشت به سنت‌ها بود. سنت‌هایی که زندگی سالم و اخلاقی را تضمین می‌کردند.

تواب در شرح وظایف وزارت بهداشتی، رابه «تبلیغات طبی» اختصاص داده که وظیفه این بخش بر دوش رادیو بود: «دروس عمومی مناهجی به وسیله رادیو و انتشارات به عموم جامعه آموخته، علل و منشا افزایش عمومی مورد ابتلا و گوشزد کند تا مردم بپرهیزند و دچار نتایج و نیز احکام مقدس اسلام (واجبات و مستحبات) را از نظر طبی بررسی نموده، مصالح آنها را آنجا که درک می‌کنند شرح دهند و مردم رابه رعایت احکام نوزائی خدا تشویق نمایند و از این راه بنیاد بزرگ ترین محور حفظ سلامت عمومی و سد امراض را بنا نهادند و بزرگ ترین خدمت طبی را انجام دهند و احکام مؤکد اسلام را در

تواب صفوی رواج همان آموزه‌های سنتی را از طریق تو می‌توانید وی در مقابل آثاره انتشارات و تبلیغات که متولی امور رادیو بود، «دایره امر به معروف و نهی از منکر و انتشارات» را توسعه می‌کرد. از نظری دولت موافق بود که دایره‌ای تحت نظر علمای پاک و مطلع برای تبلیغات امر به معروف و نهی از منکر ت عامی تشکیل داده، در رادیوهای موجود و جدید و مجلات مستقلی در این راه استفاده کنند»^(۶)

رادیو از دید رهبر جوان فداییان اسلام تنها به تبلیغ و انتشار سیاست‌های دایره امر به معروف و نهی از منکر اختصاص نداشت، بلکه او در بحث از وزارت فرهنگ، وظیفی را برای رادیو برمی‌شمرد. به اعتقاد او رادیو متعلق به ملت است و از همین رو از آن به عنوان «رادیوی ملت مسلمان» نام برده است. چنین رادیویی سختگویی ملت است، نه دولت که البته شرایط و وظایفی هم در این راستا داشت: «رادیوی ملت مسلمان در اختیار عموم طبقات گذاشته شده، هر فردی به نمایندگی از صنف و طبقه خود یا شخصاً حق داشته باشد وقت گرفته در ساعات معینی که برای این جهت (ساعات سخنان عمومی) آماده است، طبق موازین اسلام هر سخنی دارد، مشروط بر اینکه بر عظمت و بزرگی مسلمانان ایران تمام شود و مطالب عادی و بی‌جلی نباشد، به دنیا و به برادران و خواهان مسلمان خود برسانده، نکته مهم آنکه کلامی در ذکر حذف موسیقی‌ها و بازیگری‌ها از رادیو قید فیه مشروع»^(۷) رابه کار می‌برد.

رادیوی مورد نظر تواب صفوی موافق بود که اذان را در موعودش به سمع مؤمنان برساند و «قرآن و تعلیمات عمومی و معارف اخلاقی آل محمد» را به زبان ساده و روشن «نه تنها به ایرانیان مسلمان که به نجوم

اما تمامی آنچه گفته شد، پیشنهادها و آمال سید مجتبی نواب صفوی، رهبر فداییان اسلام درباره رساله رادیو بود. او به آنچه از رادیو در آن زمان می‌شنید، منتقد و معترض بود و گویانکه در پایان راهنمای حقایق وقتی مسئولان رادیو را هشدار و انداز داد که این اعلامیه فداییان اسلام را بپخش‌اند، یادآور شد که رادیو ملت مسلمان ایران «در جنگال خاتمان» است.^{۳۳} از همین رو مذهبیین منتقد به رادیو و با اطمینان به خیر و صلاح چنین رادیویی نبود و بر این مینا همکاری با رادیو را مشروع و صحیح نمی‌دانستند.

دوره نخست وزیری دکتر محمد مصدق، دوره تازه ای از رویکرد نیروهای مذهبی منتقد به رادیو بود. این گروه ها که دولت مذکور با متفاوت از دولت های سابق می دیدند، سعی در رساندن نظریات خود به گوش دولت و گرداندنهای رادیو داشتند. به طوری که در گزارش اداره کل انتشارات و تبلیغات به تاریخ ششم خرداد ۱۳۳۰، یعنی کمتر از یک ماه از نخست وزیری مصدق، چنین آمده است: «فهمه روزنامه‌های بی‌شماری که تاکنون به ۳۰۰ عدد بالغ شده است، از تهران و شهرستان‌ها به اداره تبلیغات می‌رسد مبنی بر آنکه موسیقی را از برنامه رادیو تهران حذف نماید.»^{۳۴} چنانچه یکی از روحانیون لا‌ارستان در نامه خود به مصدق می‌نویسد، انتخاب وی به نخست وزیری، «فیدان روح امید در میان ملت بوده است؛ حقیقتاً این انتخاب روح تازه‌ای در کالبد همه دمید و امیدوار شدند و بر شفاست که با این پشتیبانی سابقه‌ی ما مستحکم محکم اصلاحات، دهن و زبان مخالفان را بپندد... این شخص در قسمت دیگری از نامه‌اش، مقصود خود از اصلاحات را چنین بیان می‌کند: «خواستنی که جامعه روحانیان، بلکه همه متدینان از سر کار عالی‌دارند، آن است که در اصلاحات دینی و مذهبی، سعی خود را بیشتر میندول فرمایند و اجرای قانون منع مسکرات و حذف برنامه موسیقی از رادیو که جز فساد اخلاقی نتیجه دیگر ندارد، از سر کار خواستاریم.»^{۳۵} برخی از نیروهای مذهبی هم خواستار جایگزینی سخنرانی‌های دینی و تلاوت قرآن

مجید به جای موسیقی در رادیو بودند. از آن جمله اتحادیه مسلمین آبادان بود که در نامه‌ای به مصدق بر این امر و حذف کامل موسیقی از رادیو تأکید کرده بود.^{۳۶} اما دولت مصدق انتظارات این گروه از مذهبیین را برآورده نساخت، گروهی که در مقابل کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ با همتوایی نشان داده و یا آنکه راه انتقال پیش گرفتند. کودتاچیان نیز این عده را فراموش نکرده و دغدغه‌های آنان را مدنظر داشتند. از همین رو در طرح نقشه کودتا توصیه شده بود، پس از تغییر دولت اطمینان دادن به مردم از طریق رادیو تهران و مساجد مبنی بر اینکه دولت جدید به اصول مذهبی پایبند است، انجام پذیرد.^{۳۷} اما با این همه برنامه های رادیو در دوره پس از کودتا برای آنان را پس‌کننده نبود. به طوری که سرپرست رادیو کمتر از سه ماه پس از کودتا، در جواب اعتراض های مبنی بر عدم توجه کافی به مباحث دینی در برنامه های رادیو با ارائه فهرستی از برنامه‌های ثابت مذهبی در روز، از توجه کافی رادیو به این امر اطلاع می‌دهد. این برنامه ها شامل «تلاوت تلاوت کلام الله مجید»، «از علی آموز اخلاص عقل»، «تلاوت قصص قرآن» و «معرفی رجال صدر اسلام» و «سخنرانی مذهبی» می‌باشد. همچنین در این برنامه از برنامه‌های تفسیر قرآن و سخنرانی‌های متفرقه مذهبی در بعضی از ساعات یاد شده است.^{۳۸} به مرور زمان که وزیم پهلوی ستاره آبیال خود را در آوج می‌دید و بی اعتنائی به گروه های مذهبی و همچون دیگر نیروها و گروه های سنتی در جهت مدرن شدن کشور کار پیش گرفته بود، دیگر نامه‌های اعتراض آمیز مذهبیین حاوی حدیث «کامل موسیقی از رادیو نبود که آنان بر آن اوضاع و احوال فقط به حذف موسیقی در ایام شهادت ائمه اطهار^{۳۹} پسنده می‌کردند.^{۴۰}

یادآوری

۱. یعنی، لطف الله (بی‌نا) از نهضت آزادی تا مجاهدین، خاطرات تهران، صص ۵۲-۵۳.

۲. گفت وگو با چهره ها، گفت وگو با محمدعلی فرشته حکمت به کوشش عبادالدین شیخ الحکامی (۱۳۸۳) تهران، کاروبیسه ۲۰.
۳. اسنادی از موسیقی، تناز و سینما در ایران (۱۳۵۷-۱۳۵۸ ه.ش) به کوشش علی اکبر علی اکبری پاپکی و ایرج محمدی (۱۳۷۹) تهران، معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس جمهور، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ص ۳۸ البته ذکر این نکته ضروری است که اظهار حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی مربوط به سال ۱۳۰۷ و پیش از ایجاد رادیو در ایران است.

۴. نواب صفوی، سید مجتبی اعلامیه ای از برنامه انقلابی فداییان اسلام با راهنمای حقایق (۱۳۲۷) تهران، ص ۱۲.
۵. همان، ص ۲۷.
۶. همان، ص ۲۱.
۷. همان، ص ۲۰.
۸. همان، ص ۲۱.
۹. همان، ص ۲۲.
۱۰. همان، ص ۲۴.
۱۱. همان، ص ۲۸.
۱۲. همان، ص ۹۰.
۱۳. اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران (۱۳۱۹-۱۳۲۵ ه.ش) به کوشش علیرضا اسماعیلی و دیگران، معاونت خدمات مدیریت و اطلاع رسانی دفتر رئیس سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۹).

۱۴. همان، ص ۳۴۱.
۱۵. اسنادی از انجمن ها و مجامع مذهبی در دوره پهلوی به کوشش حجت فلاح تونگار و رضا مختاری اصفهانی (۱۳۸۱) تهران، مرکز اسناد ریاست جمهوری، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ص ۵۱.
۱۶. فصلیات آژاکس، بررسی اسناد سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد (ترجمه لیونقاسم راه چینی) (۱۳۸۰) تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران، ص ۳۰.
۱۷. آرشیر مرکز اسناد ریاست جمهوری، پایگاه نخست وزیری، شماره بازبانی ۲۲۹۰.
۱۸. اسنادی از انجمن ها و مجامع مذهبی در دوره پهلوی، ص ۲۳۵ و نیز ص ۳۲۲ البته دو مورد نمونه ای از موارد عده‌د.

